

معمار قتل‌های عنکبوتی زنان نمی‌توانست یک بنا باشد

آرش کمانگر

از همان اول مشخص بود و با باید مشخص می‌بود که کشتار سیستماتیک "زنان خیابانی" (شاغل در تجارت سکس) طی یکسال اخیر، نمی‌توانسته اولاً کار یک نفر باشد ثانیاً بدون دخالت و حمایت لجستیکی نهادهای رژیم اسلامی تحقق پذیرد. از این رو وقتی مقامات قضایی و انتظامی رژیم در خراسان، دو روز بعد از نوزدهمین جنایت، با چهره‌ای خندان بر صفحه تلویزیون ظاهر شدند و بخت برگشته‌ای به نام "سعید حنایی" (کارگر بنا) را به عنوان قاتل معرفی کردند و نوید خاتمه ماجرای تکان‌دهنده "قتل‌های عنکبوتی زنان در خراسان" را دادند، هیچ انسان آگاه و آزاده‌ای حاضر نبود این دروغ‌بافی آشکار و ماستمالی مشمئزکننده جنایات یکساله گذشته را بپذیرد، چرا که اکثریت مردم کشورمان بخوبی واقف بودند و هستند که: معمار اصلی قتل‌های عنکبوتی نمی‌تواند یک "بنا" باشد!

مردم بدرستی انگشت اتهام را بسوی آیت‌اله‌ها و فرد قدرتمند آنها در خراسان یعنی آخوند واعظ طبسی (معروف به شاه خراسان که بنیاد عظیم اقتصادی "آستان قدس رضوی" را با میلیاردها تومان سرمایه تحت کنترل دارد) نشانه می‌روند. اکنون حتی برخی جرایم رژیم اعتراف می‌کنند که قاتلین "زنان خیابانی مشهد" دارای کارت شناسایی سپاه پاسداران بودند و اطلاعات کافی در مورد سابقه قربانیان خود داشته‌اند. بنابراین وقتی دو روز بعد از اعلام "عملیات محیرالعقول دستگیری سعید حنایی" جسد دو تن دیگر این بار در تهران کشف شد که به همان شیوه سابق خفه شده بودند، مردم بر صحت ارزیابی خود ایمان حاصل کردند. برخی مقامات رژیم سعی کردند حوادث اخیر تهران را به کلی از ماجراهای یکساله گذشته مشهد تفکیک کنند، اما چند روز نگذشت که بیست و دومین جسد نیز در مشهد کشف شد.

واقعیت این است که مردم ما نه باور کرده بودند که سعید امامی معمار اصلی قتل‌های زنجیره‌ای نویسندگان و فعالان اپوزیسیون بوده، نه سعید عسگر طراح اصلی ترور نافرجام حجاریان، و نه سعید حنایی معمار قتل‌های عنکبوتی زنان، این "سعیدها" حداکثر عاملان اجرایی و پادوهای عملیاتی، طراحان و معماران پشت صحنه‌اند که آشکارا در رسانه‌ها و تریبون‌ها بر ضرورت خشونت، ارباب و ارباب (یا ترور) پای می‌فشارند و با تکیه بر احادیث و روایات اسلامی، ریختن خون کافر و منافق و مفسد را توسط فرد مسلمان جایز و عین عبادت می‌دانند.

همان آیت‌اله‌های ریز و درشتی که حافظان اصلی "زر و زور" در ایران امروزند و در حراست از بربریت "ولایت مطلقه فقیه" منافع حیاتی و بنیادی دارند. اینان که خود بنام اسلام ناب محمدی انواع گوناگون فحشای شرعی و آزار جنسی کودکان را حلال می‌دانند، از این که جمع کثیری برای تامین حداقل معاش، ناگزیر از حراج تن رنجور خود شده‌اند و "آبروی" نظام مقدس اسلامی را در خاورمیانه و جهان برده‌اند، سخت برآشفته‌اند و از آنجا که خود حافظ و پاسدار فلاکت و نابرابری طبقاتی کنونی‌اند و بنابراین ناتوان از ایجاد اشتغال و رفاه برای این زنان و میلیون‌ها تهیدست هستند، چاره را در حذف فیزیکی قربانیان نظام و ناهنجاری‌های اجتماعی دست‌پخت خود می‌دانند. "اگر دولت در برخورد با به اصطلاح مفسد اجتماعی" این پا و آن می‌کند و اگر دستگیری و کشتار گسترده زنان خیابانی توسط خود نهادهای به اصطلاح قانونی و قضایی، صورت خوشی در افکار عمومی بین‌المللی ندارد، بهتر است با تشکیل جوخه‌های مرگ و تحت این بهانه که خود مردم عادی متدین بدلیل جریحه‌دار شدن غیرت اسلامی‌شان، ادای وظیفه کرده‌اند، این معضل اجتماعی رو به رشد را مهار کرد تا به اصطلاح آبروی نظام حفظ شود!! غافل از این که معضلات و ناهنجاری‌های موجود در جامعه، ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معینی دارند، و مادام که این علل بنیادی به حیات خود ادامه می‌دهند، لاجرم فحشا و اعتیاد و قاچاق و سرقت و تکدی و بزهکاری تداوم خواهند داشت. در همین رابطه است که روزنامه کیهان به نقل از هفته‌نامه "راوی" گزارش می‌دهد که سه تن از مقتولین مشهد، مادران تنهایی بودند که زمانی در تهران تحت پوشش بنیاد خیریه "شفق" وابسته به سازمان بهزیستی بسر می‌بردند و مستمری ناچیزی دریافت می‌کردند، اما از زمانی که سازمان بهزیستی، بنیاد شفق را به بهانه کوچک کردن بروکراسی منحل کرد، این زنان بی‌پناه، ناگزیر در جستجوی تامین لقمه نانی برای خود و فرزندان‌شان راهی مشهد شدند تا در تجارت پر رونق سکس در اطراف مقبره امام هشتم شیعیان (و البته با دلالتی خود آخوندها) جایی برای خود بیابند، اما "سربازان گمنام امام زمان"، جوخه‌های سیاه رژیم، آنها را از هستی ساقط نمودند. این ماشین مرگ باز هم قربانی خواهد گرفت. از این رو باید کارزار وسیعی در داخل و خارج ایران برای حمایت از زنان تن‌فروش و جهت پی‌گیری ماجرای قتل‌های عنکبوتی و محاکمه عاملین و آمرین اصلی آن بپا کنیم. نگذاریم خفاشان رژیم در سکوت سرد انفعال ما، طعمه دیگری را شکار کنند.

۸ آگوست ۲۰۰۱